

در آرزوی

مدیریت هنرمندان

کتابیون ریاحی که به دلیل رفتارهای خارج از چهارچوب چند وقت اخیرش و نه به خاطر فعالیت هنری، نامش پر سر زبان ها افتاده با انتشار یک استوری اینستاگرامی نوشته است که شرافتم اجازه کار در سینمای امروز را نمی دهد. ریاحی علی‌رغم اینکه جزء هنرمندان محترم سینما و تلویزیون ایران محسوب می شود این بار جانب انصاف را در کلام رعایت نکرده و با لحنی گستاخانه نسبت به سینمای امروز ایران واکنش نشان داده است. او با قضاوتی غیرمنصفانه به جای اینکه نسبت به برخی از بدکارکردی ها و بد خلقی های مدیران سینمایی و فرهنگی کشور انتقاد کند کلیت سینمای ایران را مورد هجمه قرار داده و شبکه های رسانه ای فرصت طلب هم با همین لحن نسبت به سینمای ایران گستاخی کردند. بازیگری که قریب به ۱۵ سال در آثار سینمای ایران حضور نداشته چگونه در عرض یک سال گذشته به این نتیجه رسیده که حضور و فعالیت افراد در سینمای امروز ایران نشانگانی از بی‌شرافتی است. سینمای ایران با همه اما و اگرهایی که در مورد کم و کیف آثار علی‌اش مطرح است، همچنان مهم ترین پایگاه فرهنگی کشور است و اتفاقا به خاطر همین اهمیتش است که محل ظهور و بروز اندیشه ها، دیدگاه ها، دیالوگ ها و حتی جدل های اصلی جامعه امروز ایران است. سینمایی که بیش از آنکه وابسته به شخص یا جایگاه حقوقی افراد باشد متصل به جریان های

۲

کتابیون ریاحی بازیگر شناخته شده سینما و تلویزیون ایران است و واکنش اخیر او هم به واسطه و بهانه اظهارات اخیر مدیران ارشاد و به خصوص وزیر ارشاد بود؛ و داخل پراتنز هم بگوییم که جای مباحات است بازیگر دیگری که قدش به مراتب کوتاه تر از قواره امروز سینمای ایران است و به واسطه هایی غیر از هنر به فعالیت سینمایی دست یافته هم در چنین وضعیتی که آب سر بالا رفته، آواز ابوعط سر می دهد. او در شبکه اجتماعی ایکس نوشته بود که باعث افتخار و سربلندی بنده است که تحت نظارت هیچ رژیم و حکومتی نیستم. تعبیری عجیب که فقط در ایران قابل تفسیر است و برآمده از همان ژست همه چیزدانی است که آفت چندساله اخیر چهره های مشهور سینمای ایران شده است. از دلایلی که چنین اظهارنظرهای نابخته ای در فضای رسانه ای دستگردان می شود اول فضای سلبیتری زده ای

فکری متکثر جامعه ایران است. سینمای ایران و تمام مشتقات آن را نباید فقط روی پرده سینما یا در پس اتفاقات و جنجال های شهره طلبان فضای مجازی دنبال کرد؛ سینمای ایران، پهنه وسیعی از رویدادها و جریان های زنده است که با تمام سختی ها و موانعی که پیش رو دارند، همچنان نفس می کشند و چه بسیار فیلمسازیانی که با شوق تماشاگران سالن های سینمایی به وجد می آیند یا تا تلنگر منتقدی ممکن است آزرده خاطر شوند.

شوق و ذوق سینما را باید در میان اشتیاق جوان های فیلمسازی جست وجو کرد که در دو هفته گذشته مشتاقانه در مورد آثار متاخر داریوش مهرجویی، فیلمساز فقید سینمای ایران نوشتند یا برای فردوس کاویانی و آتیلا پسیانی گرامیداشت گرفتند. برای اینکه شوق فیلمسازی در فضای سینمای ایران را درک کنید، ای کاش هفته پیش به پردیس سینمایی ملت می رفتید و در حاشیه جشنواره فیلم کوتاه تهران، شوق جوان هایی را می دیدید که با دنیایی از آرزوی فیلمسازی در همین سینما، کارهایشان را به نمایش گذاشتند. جوان هایی که می دانند در فضای سلبیتری زده سینمای ایران، به سختی می توان خود را به سرمایه گذاران سینمایی اثبات کرد اما همچنان پشت دوربین می ایستند و بعد از گذار از هزارتوی تولید، فیلم می سازند. آری این سینما با تمام اما و اگرهای

خودش، شرافت دارد به تمام بی‌شرفانی که تمام حیثیت و اعتبار خود را از همین سینما گرفتند و بدون هیچ قدردانی، به همین سینما می تازند. اتفاقا دستگاه های نظارتی در حوزه فرهنگ و هنر، به جای اینکه به دنبال برخورد های حذفی و سانسور آثار سینمایی باشند، بهتر است که پاسدار شرافت این سینما باشند و با هر فرد و ارگانی که سینمای ایران را محل تاخت و تاز توهین های شخصی قرار می دهد، برخورد جدی کنند. آنهایی که دلسوز سینمای ایران هستند و کوچک ترین تعصب و علقه ای نسبت به آن دارند، همان طور که نسبت به روزنامه هتاکی که چند سال پیش علیه اهالی سینمای ایران توهین کرده بود، واکنش نشان دادند، این بار هم نباید به توهین علیه فضای سینمای ایران بی تفاوت باشد و اگر شهامتش را دارند واکنش های صریح تری نشان دهند.

خانم ریاحی اگر منظورش از شرافت حضور در یک اثر نمایشی آن هم برای یک زن بازیگر، همان چیزی است که مهناز افشار در نمایش خانه امن اجرامی کند، بهتر است یک بار دیگر مسیری که او و همانند های او در بیرون از مرزها طی کردند را مرور کند. کدام بازیگر و هنرمند ایرانی در خارج از کشور را می شناسید که توانسته اعتباری برای خود از جانب فعالیت هنری به دست آورد و جلوه هایی از هنر خود را بروز دهد مگر با دشمنان و فحاشی به ارکان و ساختارهای سیاسی داخل کشور.

برای یک مدیر فرهنگی نیست که باید فضای فرهنگی و هنری کشور را از طریق تعامل و ارتباط با اهالی هنر راهبری کند اما سوال این است که آیا مدیران فرهنگی امروز، هیچ اعتباری برای خود و جایگاه شان قائل هستند؟ اینکه سال گذشته و در جریان آشوب های خیابانی و فضای مجازی، مدیران سینمایی توان و اختیار مدیریت چهره های هنری و سینمایی را نداشتند شاید در مقاطعی قابل توجیه باشد اما واقعا جای سوال است که تا به کی این رویه بی اعتباری جایگاه مدیران فرهنگی در پیشگاه هنرمندان و مردم قرار است ادامه پیدا کند. آیا وزیر فرهنگی که با لیخندی همیشه بر لب، از ممنوع فعالیت شدن چهره های زن سینمای ایران می گوید، می تواند آن نقش پدري و حاکمیتی خودش را در حوزه فرهنگ و هنر ایفا کند و میدان دار مدیریت هنری در کشور باشد.

است که بر کشور حاکم است و دوم و مهم تر اینکه بستر پذیرش آن ابتدا از جانب مدیران فرهنگی فراهم شده است. واقعا جای سوال

از مدیران فرهنگی و وزیر ارشاد است که بنا به چه استدلالی، اعلان رسمی می کند که بخشی از اهالی سینمای ایران از حضور در آثار سینمایی محروم هستند. آیا کار ویژه وزارت فرهنگ و ارشاد این است که اعلامیه ممنوع فعالیتت اهالی سینما را با افتخار فریاد بزند، یا اینکه شرایط حضور و تعامل با اهالی هنر را تسهیل کند. اتفاقا اگر بخواهم شرایط روزها و سال های پیش از اتفاقات پاییز ۱۴۰۱ را بررسی کنیم، اولین کسانی که متهم به شکل گیری وضعیت آشفته و در هم و برهم سال گذشته بودند همین مدیران فرهنگی و در راس آن مدیران وزارت فرهنگ و ارشاد قرار هستند که رشته کار و مدیریت چهره های سینمایی از کف شان به در رفته بود. این شرح وظیفه دور از انتظاری



۳

برای فهم قدر و اعتباری که زن در سینمای امروز ایران به دست آورده، باید تعریفی که از سینما پیش و پس از انقلاب وجود دارد را در یک مقایسه مبنایی بررسی کرد. جریان غالب سینمای پیش از انقلاب، متعلق به فیلمسازی بود و در تعداد زیادی از آثار سینمایی آن دوره، خصوصا جریان فیلمسازی، زن صرفا کالایی است که باید به دست آورده شود. حتی شورمندی مرد در تلاش برای به دست آوردن آن زن، به خود زن ارزشی نمی دهد. انگار یک نفر برای به دست آوردن یک اتومبیل یا چیزی شبیه آن تلاش می کند و مخاطب با دل آن مرد تلاشگر همدل می شود و با او همدات پنداری می کند، نه آن اتومبیل یا آن زن. در بخش دیگری از فیلم ها زن نقش نجیبانه ای دارد اما فقط رهگذر است، جزء آکسسوار صحنه است و به قول یکی از هنرپیشه های زن ایرانی، تمام ویژگی های وجودی اش در بیان این دیالوگ خلاصه می شود که «چاییت

دروازه شیطان به تلویزیون می آید

به نقل از روابط عمومی سریال «دروازه شیطان»، این مجموعه در ۱۰ قسمت به تهیه کنندگی، سید یاسر میراحمدی و کارگردانی سعید چاری، به زودی در جدول پخش تلویزیون قرار می گیرد. این سریال نگاهی متفاوت به مشکلات کارگران و تولید ملی دارد. موضوع این سریال براساس داستان و پرونده ای واقعی ساخته شده است. داستان این سریال در کارخانه ای می گذرد که حقوق کارگران را دیر می دهند و صاحب کارخانه از کارگران سوء استفاده می کند و با کد ملی کارگران وام های کلاهی می گیرد. به گفته حسین عابدینی، یکی از بازیگران این مجموعه ی تلویزیونی: «فروردین ماه امسال فیلمبرداری این سریال شروع شده و تا پایان شهریورماه ادامه داشته است. این سریال به زودی از شبکه یک یادو پخش می شود.» این بازیگر که بسیاری از سریال «از یاد رفته» با آن زبان آذری او را به یاد دارند، در فیلم های دیگری مانند «باران»، «رسم عاشق کشی»، «مارمولک»، «چند می گیری گریه کنی؟»، «در شهر خیریی نیست»، «یاد در علفزار می پیچد» و «سه درجه تب» هنرنمایی کرده است. از دیگر بازیگران این مجموعه، مجید حاجی زاده، شراره رخام، فرشید نوابی، صدرالدین حجازی و علیرضا خمسه را می توان نام برد. تسنیم در آخرین خبری که از این سریال منتشر کرده، این مجموعه را بدون ذکر منبع، سریالی در قالب ۱۲ قسمت نام برده است.

حضور ایران در چهلمین نمایشگاه کتاب استانبول

حدود ۴۰ سال است که معمولا در ماه اکتبر، نمایشگاه کتابی در استانبول برگزار می شود. نمایشگاه کتاب استانبول از سال ۱۹۸۲ به مدت ۳۹ سال با نزدیک به نیم میلیون بازدیدکننده درحال برگزاری است. شعار اصلی این نمایشگاه بین المللی «ما خواننده را پیش نویسنده و ناشر می بریم» است که می توان گفت این نمایشگاه به دلیل آنکه از بزرگ ترین رویداد های مربوط به کتاب در منطقه است، در این زمینه موفق به حساب می آید. این نمایشگاه جزء ریشه دازترین و بی رقیب ترین نمایشگاه ها در حوزه کتاب در دنیاست و شرایطی را برای ایجاد همکاری های بین المللی، دسترسی مستقیم به صدها خواننده کتاب و پیگیری دقیق اطلاعات مربوط به این حوزه، فراهم کرده است. شرکت در این نمایشگاه فرصتی برای مشارکت در رسانه های ملی، منطقه ای و بین المللی را فراهم می کند. این نمایشگاه از ۲۸ اکتبر تا ۵ نوامبر (۶ تا ۱۴ آبان) در منطقه توپ کاپی در استانبول برگزار خواهد شد. در این دوره می توان از کتاب ها، نشریات ادواری، انتشارات روزنامه ها و مجلات دیدن کرد. غرفه جمهوری اسلامی ایران در چهلمین سال از برگزاری این رویداد، درحال آماده سازی برای ارائه آثار ایرانی به مخاطبان بین المللی است.

نقطه پایان نویسندگی یوسا

به نقل از گاردین، مشهورترین نویسنده زنده پرو و برنده جایزه نوبل ادبیات، ماریو بارگاس یوسا، اعلام کرد با نوشتن آخرین کتابش که درباره ژان پل سارتر است بر هفت دهه فعالیت ادبی خود نقطه پایان می گذارد. بارگاس یوسا که در مادرید زندگی می کند و دارای تابعیت دوگانه پرویی و اسپانیایی است، آخرین عضو بازمانده از پدیده ادبی آمریکای لاتین در دهه های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ است که با عنوان «ال بوم» شناخته می شده. از دیگر نویسندگان مشهور این سبک می توان گابریل گارسیا مارکز، کارلوس فونتنس و خولیو کورتاسار را نام برد. این نویسنده ۸۷ساله درستی برای کتاب جدیدش با عنوان «سکوتم را به تو می دم» نوشته است؛ «این کتاب را تمام کرده ام و اکنون می خواهم مقاله ای درباره ژان پل سارتر، که معلم من در جوانی بود، بنویسم. این آخرین چیزی است که می نویسم.» ماریو بارگاس از سکوتم را به تو می دم به عنوان نامه ای عاشقانه به پرو و موسیقی کریولا که ترکیبی متفاوت از والس اروپایی با تاثیرپذیری از موسیقی آفریقایی- پرویی واند است، یاد شده. سکوتم را به تو می دم، آخرین رمان یوسا به زبان اسپانیایی در ۳۱۲ صفحه، از ۳۱ اکتبر (۹ آبان) به قیمت ۲۳ دلار توسط انتشارات آلفاگورا منتشر می شود.

کتاب جشن حنابندان به زبان های آلمانی و انگلیسی

کتاب «جشن حنابندان» نوشته محمد حسین قدمی قرار است که به دو زبان آلمانی و انگلیسی ترجمه شود. این کتاب دو گزارش از عملیات کربلای ۵ و بیت المقدس ۴ در مناطق جنوب و غرب کشور را روایت می کند. ناشر این اثر درباره چگونگی شکل گیری آن گفته است؛ «سال ۱۳۶۵ مسئول صفحه جبهه و جنگ روزنامه «صبح آزادگان» بودم. تشویق و ترغیب دوستان نویسنده، مرا وادار به نوشتن خاطرات و گزارش های مستمر کرد تا جایی که توسط این نوشته ها با شهید مرتضی آوینی آشنا شدم و به سفارش وی این مطالب در قالب کتاب جشن حنابندان، در سال ۱۳۶۸ به چاپ اول رسید.» این کتاب که توسط انتشارات سوره مهر منتشر شده است، منبعی برای فیلم مستند چهار قسمتی به نام «دسته ایمان» قرار گرفته است که در برنامه های روایت فتح منتشر شده است. مقام معظم رهبری در تفریظی که بر این کتاب نوشته اند، گفته اند: «خدا را سپاس گفتم، هم بر آن قطره عشقی که در جان این نویسنده افکنده و هم بر آن دست قدرتی که نقشی چنان بدیع و یکتا بر صفحه تاریخ معاصر پدید آورده و صحنه هایی که افسانه وار در ذهن و چشم بشر این روزگار بیگانه است، در واقعیت زندگی این نسل از ملت ایران نقش زده است.»

فرهنگیگان

فرهنگ



شنبه ۶ آبان ۱۴۰۲



شماره ۳۹۹۲



WWW.FDN.IR



FARHIKHTEGANDAILY

۱۳